

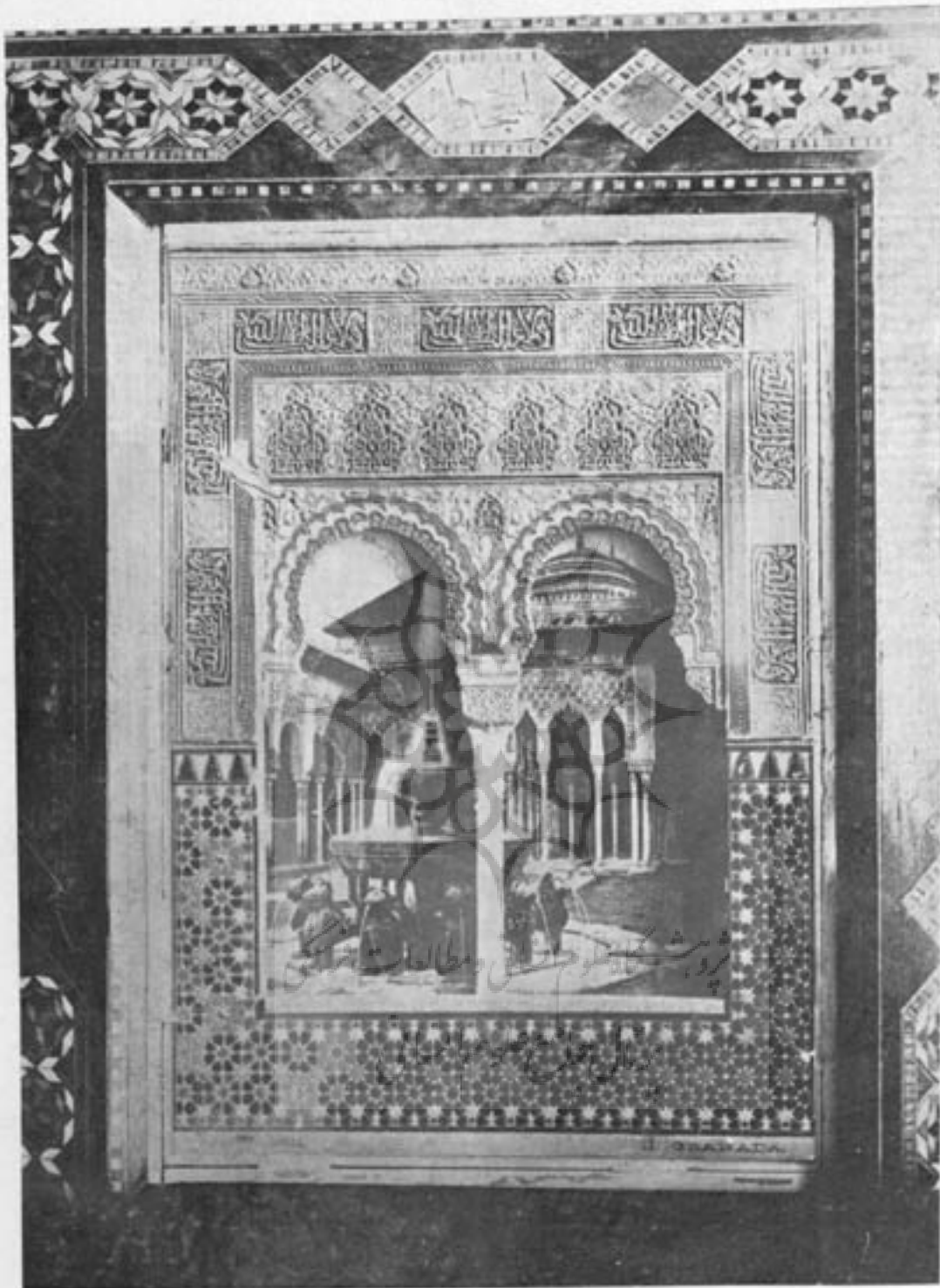
# مستزافات

« خواجه انصار یاپیر هری »

بقلم میر صاحب گازر گاه شریف  
از هرات

جناب پیر هرات خواجه عبدالله انصاری قدس سره مناقب و مزایای لازمی و متعددی آن بزرگوار در مدونات علماء سلف و جمهور مشایخ متقدمین و متأخرین متفق علیه است و مصنفات عدیده آن بزرگوار بعضی به طبع رسیده مانند ( کنز السالکین ) در اخلاق و ( منازل السائرین ) در علم تصوف و بعضی منحصر بر ساله های قلمی مانده است و از اجل مصنفات شان تفسیر کشف الاسرار است تفسیر مذکور با سره دیده نشده است یکپاره آخر ازان که بمطالعه خادم مزار مبارک بمدوح رسیده و از تعداد سور آن استنباط میشود که مفسر قدس سره متعلقات هر سوره را از آن سور تفسیر خویش منقسم و متحصص بر سه نوبت مقرر داشته اند اول ترجمه فارسی تحت اللفظ بمثابة تفسیر جناب ملا حسین رحمه الله تعالی دوم استیعاب آن بر اخبار و احادیث مرفوعه مبینة آیات کریمه بانضمام قواعد عربیه نحویه آن سوم حاوی است بر مواعظ و نصایح مفیده و مقالات مسجع و موزون اخلاقیه و فوات جناب قدس مآب بمدوح بمدلول رباعی آتی مستخرج از لفظ ( فات ) است که ( ۴۸۱ ) قمری باشد :

آن خواجه که در صورت و معنی شاه است      و از سر حقیقت دو کون آگاه است  
از روی حساب جمل اردانی ( فات )      تاریخ وفات خواجه عبدالله است



( نمونه گچی )

( مسجد الحمراى غرناطه )

نمونه از گچ بامنتهای صنعت از یک قسمت منظره خارجی مسجد الحمراى غرناطه ساخته شده و بطور چوکات در موزه کابل موجود است که از خلال رواق های دو گانه او یک قسمت منظره مرسومه آنجامع مشهور پدیدار است .



پښتونستان د علومو او انساني مطالعاتو فریښکې  
پرتال جامع علومو انساني

و در سنه ۸۵۹ خاقان سعید شاه رخ شاه مزار آن بزرگوار را بعمرانات بی عدیده مانند بقعه ها و تکایا و ایوان رفیعه و حوض ها و مساجد الحاق نموده است و یک لوح مرتفعی که در ستایش آن لوح جناب مولوی عبدالرحمن جامی انشاء نموده اند که میلی سر مزار پر انوار او کشد - زوار را بدیده دل کحل آتپناه - منصوب و اقامه کرده است و این بقعه مبارکه که محط رحال و مخیم آمال و پناه گاه اهالی معرفی شده است چنانچه مولوی صاحب جامی بتا یید این مدعا میفرماید .

بندد بروی خود همه در های حادثه      هر کس که آورد بحریم درش پناه  
جامی حریم کعبه هر حاجت این در است      روی دعا بکعبه کن و حاجتی بخواه  
اینک خادم مزار موصوف تیمناً رشحه از دریای فضایل و فواضل و برخی از حالات آن بزرگوار اعتراف و بافاضیه هیئت انجمن ادبی شکر الله تعالی سعی بانیه اتحاف نمودم و در آتیه از هدایای علمی و اخلاقی حسب مقدور خویش افتخاراً بان انجمن علیه تقدیم خواهم داشت انشاء الله تعالی



غزل البصار علوم انسانی

جهت کردم که دل بکس ندم	چه توان کرد باد و دیده باز
زینهار از بلای تیر نظر	که چو رفت از کمان نیاید باز
مگر از شوخی تدروان بود	که فرو دوختند دیده باز
ازین بیمار چشمان بلا خیز	طیبات سعدی
دل از خوبان بی پروا نگهدار	طییب مهربان فرمود پر هیز
	غنیبت
	حریمش جز به او دادن حرام است
	اقبال